

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه پیام نور تهران

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

شگردهای زبانی لطیفه پردازی در لطایف الطوائف

استاد راهنما:

دکتر علی پدram میرزایی

نگارش:

افسانه چراغی

تیرماه 1388

دانشگاه پیام نور

بسمه تعالی

تصویب پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان: شگردهای زبانی لطیفه پردازی در لطایف الطوائف
که در مرکز تهران تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است، مورد تأیید می باشد. تاریخ دفاع:

1388/4/27

نمره: 19 درجه ارزشیابی: عالی

اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی	هیأت داوران	مرتبه علمی	امضاء
1- دکتر علی پدram میرزایی	استاد راهنما	استادیار	
2- دکتر علی محمد پشدار	استاد داور	استادیار	
3- دکتر حاجی مزدارانی	نماینده گروه علمی	استادیار	

« تقدیم »

به مادرم

که در دلش داغ شقایق هاست
و شکیبایی اش ستودنی.

به پدرم

که از دورویی ها به دور است
و آزادی و راستی، سرمایه غرورآفرین اوست.

به همسرم

که همه راه، همراه من است
و مهربانی و وفاداری اش، پشتوانه بودنم.

به دختر دل‌بند و شیرینم **مهرنوش**

که چشم های روشنش، نور زندگی من است
و وجود سرشار از شادی اش، شور زندگی ام.

و

به شقایق ها

که در نور و سپیدی جاودانه شدند
و شمیم یادشان در خیالم ماندگار است.

« مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ »

به نام یگانه هستی بخش و ایزد یکتا که پروردگار جهانیان است و پدیدآورنده آسمان ها و زمین. سلام و درود بر پیامبرمهر و رحمت، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش. سپاس و ستایش خدای را که درهای دانش را به روی آدمیان باز کرد و با نظر لطف و عنایت، دریچه ای از آن بر من گشود.

حال که به یاری خداوند متعال و در سایه الطاف بی کران او، این پایان نامه به پایان می رسد و دفتر این پژوهش بسته می شود، بر خود لازم می دانم از راهنمایی های ارزنده استاد ارجمندم جناب آقای دکتر علی پدram میرزایی قدردانی و سپاسگزاری نمایم. استاد بزرگوار در همه مراحل کار از آغاز تا پایان، راهبری مهربان و یاریگری دلسوز بودند و با سعه صدر و گشادگی وجه، پذیرای من می شدند و وقت گرانبهای خود را در اختیارم می گذاشتند. از این که قبول زحمت فرموده، استاد راهنمای بنده شدند و مرا مورد لطف خود قرار دادند و از دانسته های گسترده خویش بهره مند ساختند، تا همیشه مرهون مرحمتشان هستم. امید آن دارم که انجام این کار را به عنوان گوشه ای از ادای دین بپذیرند.

فرصت را غنیمت دانسته، ارادتمندانه از تمامی استادان گرانقدرم در طول دوران تحصیل و هم چنین مدیر محترم گروه زبان و ادبیات فارسی، جناب آقای دکتر علی محمد پشتدار تقدیر می نمایم.

متواضعانه سر تعظیم فرود می آورم به آستان بلندپایه همه معلمان، استادان و بزرگانی که از لحظه تولد تا مرگ به من آموخته اند و خواهند آموخت.

چکیده

لطیفه روایت طیبیت آمیز داستان وار کوتاهی است که بر پیوند حلقه های واقعی و تصادفی استوار است و پایان بندی آن توأم با اوج، کمال و غافل گیری است که درک آن نیاز به هوشمندی و دقت دارد. لطیفه پردازی یک نوع شیوه بیان ادبی جهت ابلاغ مطالب انتقادی همراه با خنده و شوخی است. یکی از کتاب های ارزشمندی که مشحون از لطایف و طرایف طبقات مختلف جامعه است، لطایف الطوایف اثر گرانسنگ فخرالدین علی صفی است که در آن، مجموعه ای از لطیفه ها با شگردهای متعدد لطیفه پردازی بیان شده است. با مطالعاتی که انجام گرفت، مشخص شد استادان بزرگواری در زمینه طنز و طنزپردازی تحقیقاتی کرده و کتاب هایی نوشته اند. پایان نامه هایی نیز درباره این موضوع نوشته شده اما تحقیقی به این گستردگی در مورد لطیفه پردازی و لطایف الطوایف انجام نگرفته است. هدف از انجام این پژوهش، تبیین شگردهای زبانی لطیفه پردازی در لطایف الطوایف و یافتن پر بسامد ترین شگردها بوده است. روش تحقیق، تحلیل محتوا و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه ای و فیش برداری بوده است. در نتیجه شگردهای زبانی زیر به دست آمد: آیات، ارسال المثل، استخدام، اسلوب الحکیم، ایجاز، ایهام، بذله، تجاهل العارف، تشبیه و استعاره، تعریض، جناس، حسن تعلیل، حسن طلب، حکایت لطیفه وار، دلیل عکس آوردن، طرد و عکس، کنایه، لغز، مراعات النظیر، مطایبه، واقع گرایی. پر بسامد ترین شگرد در لطیفه ها، مطایبه بود.

واژگان کلیدی: شگردهای زبانی، لطایف الطوایف، فخرالدین علی صفی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	مقدمه.....
	کلیّات:
5	1- تعریف مسئله و سؤال های اصلی تحقیق.....
5	2- سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....
6	3- هدف تحقیق.....
6	4- روش و ابزار گردآوری اطلاعات.....
7	5- روش تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
	فصل اوّل:
9	پیش گفتار.....
	1-1- بخش اوّل:
10	1-1-1- شرح زندگانی فخرالدین علی صفی.....
11	1-1-2- مذهب و طریقت او.....
12	1-1-3- حبس یکساله هرات.....
14	1-1-4- سفر غرjestان.....
15	1-1-5- وفات او.....
15	1-1-6- تألیفات او.....
	1-2- بخش دوم:
17	1-2-1- اوضاع ادبی قرون نهم و دهم.....
20	1-2-2- معرفی کتاب لطایف الطوائف.....
21	1-2-3- انگیزه نگارش کتاب.....
22	1-2-4- در بیان استحباب مزاح.....

23گردآوری لطیفه ها.....5-2-1
	3-1- بخش سوم
251-3-1 لطیفه در معنای لغوی.....
262-3-1 لطیفه در اصطلاح ادبی.....
293-3-1 خنده و شکل دگر خندیدن.....
304-3-1 طنز در معنای لغوی.....
305-3-1 طنز در اصطلاح ادبی.....
346-3-1 هزل در معنای لغوی.....
347-3-1 هزل در اصطلاح ادبی.....
358-3-1 هجو در معنای لغوی.....
369-3-1 هجو در اصطلاح ادبی.....
3710-3-1 تفاوت طنز با هجو.....

فصل دوم

39پیش گفتار.....
401-2 آیات.....
482-2 ارسال المثل.....
523-2 استخدام.....
544-2 اسلوب الحکیم.....
645-2 ایجاز.....
716-2 ایهام.....
767-2 بذله.....
838-2 تجاهل العارف.....
859-2 تشبیه و استعاره.....
8710-2 تعریض.....

97 11-2 - جناس
103 12-2 - حسن تعلیل
113 13-2 - حسن طلب
117 14-2 - حکایت لطیفه وار
142 15-2 - دلیل عکس آوردن
147 16-2 - طرد و عکس
149 17-2 - کنایه
155 18-2 - لغز
157 19-2 - مراعات النظر
159 20-2 - مطایبه
185 21-2 - واقع گرای
198 نتیجه
204 فهرست منابع و مآخذ
	پیوست ها:
208 پیوست 1- فهرست آیات
212 پیوست 2- فهرست نام ها
216 پیوست 3- لغت نامه
220 پیوست 4- شرح زندگانی ملاحسین کاشفی واعظ (پدر مؤلف)
223 پیوست 5- کوتاه درباره مصحح
224 Abstract

مقدمه

ایرانیان در طول تاریخ، فراز و نشیب های بسیاری را طی کرده و با تلخی ها و شیرینی های گوناگون روزگار گذرانیده اند. در این رهگذار، ذهن پویا و قلم گویای نویسندگان در عرصه های مختلف زبان و ادبیات فارسی، آثار ارزشمندی آفریده که سرشارند از تقابل مرگ و زندگی، غم و شادی، نفرت و عشق، هجران و وصل، درد و درمان، جنگ و صلح، قهر و آشتی، یأس و امید و سکوت و فریاد که بیشتر این آثار برگرفته از زندگی حاکمان و مردم روزگاران مختلف است. گاه که در برابر بیداد حاکمان، فریاد دادخواهی مظلومان به جایی نمی رسیده، مردان بلند همتی قلم بر دست گرفته و با اعتراضی اندیشمندانه و حکیمانه به نام طنز، زشتی ها و پلیدی ها را به رخ ظالمان کشیده و اندوه از دل مظلومان زدوده اند و گاه که خستگی بر جسم و جان مردم نشست، با کلامی نغز و دلنشین به نام لطیفه، تن و روان آنان را آرامش بخشیده اند.

یکی از شیوه های ایجاد آرامش در انسان و به وجود آوردن سلامت روح و بهداشت روان، همانا هنر است که بار غم از دل انسان برمی گیرد. هنر آرامش را برای انسان به ارمغان می آورد. همان گونه که تن آدمی به خستگی ناستوار می شود و کسالت و خمودگی نصیب انسان می سازد، روان آدمی نیز در برابر مصائب، ناروایی ها، ناهنجاری های اجتماعی، خستگی های ناشی از زندگی روزمره، تبعیض ها، بهتان ها و امثال این پریشان می گردد. همان طور که تن آدمی به پزشکی حاذق نیاز می یابد تا به درمانگری او به سلامت برسد، روح آدمی نیز هم چون آن حکیم که در روز روشن، فانوس به دست، به دنبال انسان می گشت، در پی درمانگری آگاه به هر کوی و برزن سر می کشد تا مردی درد آشنا بیابد و درد خویش پیش او برَد و راهی برای آرامش بیابد. گاه انسان هم چون طفلی ناآرام به دنبال بهانه ای می گردد تا آسوده از رنج طیبیان و زخم زبان خام اندیشان، تن خسته خویش را به آسایش، و روح پریشان خود را به آرامش بکشانند. اینجاست که دریچه هنر به روی او گشوده می شود و زبان شیرین هنر شیفته اش می سازد.

یکی از هنرهای ظریف، طنز و لطیفه پردازی است. با شروع ادبیات منظوم و منثور فارسی، طنز و لطیفه پردازی نیز در کنار سایر انواع ادبی حضور داشته است. دانایان روزگار، آنچه را که ابراز صریح آن را صلاح نمی دانسته اند، در قالب قصه و تمثیل و طنز و لطیفه بیان می کرده اند. به قول سعدی: نگویند از سر

بازیچه حرفی / کز آن پندی نگیرد صاحب هوش. این پندی که صاحب هوش می گیرد، همان حقیقتی است که بی پرده گفتن آن مایهٔ رمیدن شنوندگان می شود. هر قدر بیان آشکار حقایق، دشوارتر و خطرناک تر باشد، ضرورت در پرده گویی افزایش می یابد.

کتاب لطایف الطوائف اثر مولانا فخرالدین علی صفی فرزند بزرگوار ملا حسین کاشفی واعظ، یکی از کتاب های گران بهاست که ظریف و هنرمندانه، لطایف و حکایاتی را از گذشتگان روایت می کند که بعضی جنبهٔ انتقاد و طعن و تعریض دارند و بعضی علاوه بر این که باعث انبساط خاطر و آرامش درونی می شوند، خالی از نکته ای و ظرافتی نیستند. تصحیح و تحشیهٔ این کتاب را فاضل مکرم احمد گلچین معانی در سال 1336 انجام داده اند و اساس کار نگارنده، همین نسخه است. این تحقیق به بررسی شگردهای زبانی لطیفه پردازی در لطایف الطوائف پرداخته است.

برای نگارنده روشن است که قطار کردن نام این و آن نویسنده یا کتاب و دائماً نقل قول کردن از آنها، نوعی آسان گیری است که بالاخره یک جا کار دست آدم می دهد و به اصطلاح مشت آدم را باز می کند. زیرا باریک بینان و اهل فن، خلوص کار یا اقتباس را از تقلید و رونویسی باز خواهند شناخت. صف کردن و به رخ کشیدن آثار و نوشته های دیگران و نگارش با قلم دیگر نویسندگان، جز علم فروشی و عالم نمایی، مصرف دیگری ندارد. گذشته از این، دربارهٔ موضوع طنز و طنزپردازی و لطیفه گویی، استادان بزرگواری تحقیق ها کرده، کتاب ها نوشته، گفتنی ها گفته و شاهد مثال هایی از آثار گذشتگان ذکر کرده اند. با بررسی چند پایان نامه دریافتم که بسیاری از مطالب آن کتاب ها به پایان نامه ها نیز منتقل شده است. بنابراین، از آنجا که پراکنده گویی موجب ناپختگی و ناکارآمدی پژوهش می گردد، اکیداً از تکرار مکررات و افاضات اضافات پرهیز کردم و تنها به آوردن مطالبی که به موضوع پایان نامه مربوط می شد، آن هم به اندازهٔ لزوم و ضرورت، بسنده کردم. به قول شیخ اجل: سعدیا! بسیار گفتن، عمر ضایع کردن است / وقت عذر آوردن است، استغفرالله العظیم.

در تعریف اصطلاحات ادبی یا برای روشن تر شدن مطلبی، متعهدانه قول استادان و بزرگان صاحب نظر را با ذکر نام و کتابشان نقل کرده ام. پایان نامه شامل کلیات و دو فصل می باشد؛ فصل اول دارای سه بخش است: بخش اول آن به شرح زندگانی فخرالدین علی صفی و تألیفات او می پردازد. بخش دوم خلاصه ای از اوضاع ادبی قرون نهم و دهم هجری، معرفی کتاب لطایف الطوائف، انگیزهٔ نگارش کتاب، استحباب

مزاح و گردآوری لطیفه‌ها را در بر دارد. بخش سوم حاوی معنای لغوی و اصطلاحی لطیفه، طنز، هزل و هجو است. فصل دوم مفصلاً به شگردهای زبانی لطیفه پردازی در لطایف الطوائف پرداخته، در آغاز هر بخش، صنایع لفظی و بدیعی معرفی می‌شوند. در پایان، نتیجه پژوهش ذکر می‌شود.

البته خود به این امر واقف و معترفم که آنچه نوشته‌ام، خالی از خللی و عاری از ایرادی نیست اما همه تلاش‌م را با بضاعت اندک از دانش، خالصانه به کار گرفتم و قدم در راهی نهادم که آن را انتهایی نیست اما گامی چند در این مسیر، شوق جست و جو، ذوق یافتن، بهره گرفتن از سرمایه‌های معنوی ادیبان و بزرگان سرزمین والاگهر پارس و قطره‌ای از دریای ناپیدا کرانه ادب پارسی را در جام وجود ریختن، خود حلاوتی دگر است.

با همه کاستی‌ها و نقایص، آنچه رضایت خاطر نگارنده را فراهم می‌آورد، آن است که در انجام این تحقیق، با اتکال به خداوند متعال و ذات لایزال او، از هیچ کوششی فروگذار نکردم و تمام توان خود را صرف کردم تا بنده کمترین نیز سهمی هر چند ناچیز در دنیای علم و معرفت و ادب داشته باشم. به قول زنده یاد استاد معین در مقدمه برهان قاطع (گرچه قابل قیاس نیست): «این چیزی است که توانسته ایم ولی آن نیست که خواسته ایم.»

امید دارم در پیشگاه حی داور و در محضر استادان گرانمایه، روسپید گردم و آن بزرگواران کمبودها را بر من ببخشایند و خرده‌نگیرند چرا که در مکتب علم و ادب، هنوز طفلی نوپایم که بدون دست‌گیری و یاری آنان، ادامه مسیر برایم دشوار خواهد بود.

کتابت

1- تعریف مسئله و سؤال های اصلی تحقیق:

لطیفه روایت طبیعت آمیز داستان وار کوتاهی است که بر پیوند حلقه های واقعی و تصادفی استوار است و پایان بندی آن توأم با اوج، کمال و غافل گیری است که درک آن نیاز به هوشمندی و دقت دارد. لطیفه پردازی یک نوع شیوه بیان ادبی جهت ابلاغ مطالب انتقادی همراه با خنده و شوخی است. یکی از کتاب های ارزشمندی که مشحون از لطایف و طرایف طبقات مختلف جامعه است، لطایف الطوائف اثر گرانسنگ فخرالدین علی صفی است که در آن، مجموعه ای از لطیفه ها با شگردهای متعدد لطیفه پردازی بیان شده است. سؤالاتی که در این تحقیق برای ما مطرح هستند، عبارتند از:

1- شگردهای زبانی لطیفه پردازی در لطایف الطوائف کدامند؟

2- بسامد کدام یک از شگردها بیشتر است؟

2- سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

با بررسی هایی که انجام گرفت، مشخص شد استادان بزرگواری همچون آقایان دکتر علی اصغر حلبی و دکتر حسین بهزادی در زمینه طنز و طنزپردازی تحقیقاتی کرده و کتاب هایی نوشته اند که عمدتاً به بررسی تاریخی طنز در کنار هزل و هجو تا قرن هشتم هجری پرداخته اند. پایان نامه هایی نیز درباره این موضوع نوشته شده اما تحقیقی به این گستردگی در مورد لطیفه پردازی و لطایف الطوائف انجام نگرفته است و این نخستین پژوهش است.

لطیفه گویی در میان ایرانیان و اعراب سابقه ای دیرینه دارد و به همین دلیل است که ذهن لطیفه ساز عامه مردم در اثر گذشت زمان، ساختارهای ویژه ای را برای لطیفه ها به وجود آورده و شخصیت هایی را برای آنها پرداخته است. این لطیفه ها معمولاً در قالب روایت شفاهی ساخته شده اند و طرح نوشتاری آنها نیز بسیار منظم و منسجم است و با یک نظم منطقی دسته بندی شده اند و نکات حکمت آمیز و پند آموز و اخلاقی فراوانی در آنها دیده می شود. این لطایف به ما نشان می دهند که قضاوت عمومی در مورد شاهان و

اشراف و درباریان یا قاضیان و فقیهان و واعظان و گروه های دیگر اجتماعی چگونه بوده و آنان از چه منزلتی نزد مردم برخوردار بوده اند. همچنین می توانند وضع عمومی جامعه، معیشت مردم یا ایمان و اعتقاد آنها را به خوبی نشان دهند.

3- هدف تحقیق:

هدف از انجام این پژوهش، تبیین شگردهای زبانی لطیفه پردازی در لطیفه های لطایف الطوائف و همچنین یافتن پر بسامدترین شگردهاست.

4- روش و ابزار گردآوری اطلاعات:

روش تحقیق، تحلیل محتوا و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه ای و فیش برداری بوده است. ابتدا از جست و جو در سایت کتابخانه ملی آغاز کردم. کتاب هایی که مرتبط با موضوع بود، مطالعه و فیش برداری نمودم. سپس از طریق جست و جو در سایت پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران و سایت کتابخانه ملی، برخی از پایان نامه هایی را که در زمینه طنز کار شده بود، بررسی کردم تا از شیوه کار و مطالب مندرج در آنها آگاه شوم. تعداد کمی هم مقاله در این زمینه دیدم. در مجموع، همه این مطالعات باعث افزایش گستره دید و معلوماتم در موضوع مورد نظر شد.

5- روش تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات:

پژوهش بر اساس تحلیل محتوا صورت گرفته است. بدین منظور به مطالعه کتاب لطایف الطوائف و بررسی لطیفه‌ها پرداختم که حساس‌ترین مرحله کار بود. لطیفه‌ها به دقت و به دفعات خوانده شد. برخی از حکایات و روایات که جنبه اخلاقی یا داستانی صرف داشت، کنار گذاشته شد. سرانجام شگردهای به کار رفته در هر لطیفه مشخص و دسته بندی شد. سپس تعداد لطیفه‌های هر دسته با هم مقایسه و از پربسامدترین تا کمترین مرتب شد. یک نمودار نیز تهیه گردید.

فصل اوّل

پیش گفتار

این فصل شامل سه بخش است: در بخش اول شرح زندگانی، احوال و آثار فخرالدین علی صفی آمده است. برای ادای حق، وظیفه خود دانستم در حد لزوم به معرفی مؤلف پردازم و برای علاقه مندانی که شاید دسترسی به منابع برایشان مشکل باشد، شناخت نسبی به دست دهم.

بخش دوم به بیان مختصری از اوضاع ادبی قرون نهم و دهم، معرفی کتاب، انگیزه نگارش کتاب، استحباب مزاح و گردآوری لطیفه ها اختصاص یافته است.

در بخش سوم به معرفی لطیفه، طنز، هزل و هجو پرداخته و به اختصار مطالبی مربوط به موضوع ذکر شده است.

1-1-1- بخش اول

1-1-1- شرح زندگانی فخرالدین علی صفی

ولادت فخرالدین علی در اواسط نیمه دوم قرن نهم (حدود سال 876) اتفاق افتاده است. جوانی او بیشتر در هرات، در حجر تربیت پدر فاضلش انجام گرفت و چنان که امیر علیشیر نوایی گفته، در آغاز حیات جوانی درویش وش و دردمند و فانی صفت بود و در طریقه نقشبندیان به ریاضت و مجاهدت اشتغال داشت و به همین سبب دو بار به سمرقند رفت و شرف صحبت خواجه عبیدالله احرار را حاصل نمود و شاید همین ارتباط معنوی با نقشبندیان موجب وصلت و مصاهرت او در سال 904 با نواده خواجه سعدالدین کاشغری بوده است. ارادت خاص صفی نسبت به مولانا عبدالرحمن جامی هم از همین سرچشمه آب می خورد و به سبب همین ارادت است که صفی، استاد جام را در کتاب رشحات عین الحیات و در کتاب لطایف الطوائف همواره به نام مخدوم یاد نموده است.

فخرالدین علی در کتاب رشحات آورده که پدرم می گفتند: « در سال 860 در مشهد مقدس، یک شب در خواب، شخصی نورانی را دیدم. بعد از سلام، از من پرسیدند: کی به این شهر آمده ای؟ گفتم: دو سه روز است. پرسیدند: کجا منزل کرده ای؟ گفتم: فلان موضع. گفتند: برو و وسایلت را بیاور و در منزل ما نزول کن که برای تو جای نیکو مقرر کرده ایم. من از روی تواضع گفتم: بنده شما را ملازمت نکرده ام. گفتند: مرا سعدالدین کاشغری می گویند. زود باش و خود را به منزل ما برسان. این را گفتند و رفتند. من بیدار شدم و چون روز شد، از مردم پرسیدم. معلوم شد مولانا سعدالدین کاشغری در هرات مقتدای خلق بوده و در همان ایام از دنیا رفته است. بعد از مدتی که به هرات آمدم، به خدمت مولانا جامی رسیدم و خوابم را گفتم. ایشان فرمودند: چه تعبیری به خاطرت رسیده؟ گفتم: چنان به خاطرم آمده که در هرات وفات یابم و مرا در تحت مزار ایشان دفن کنند. فرمودند: چرا این گونه تعبیر نمی کنی که ایشان تو را به منزل معنوی خود دلالت کرده اند؟ این تعبیر بهتر است. »

پس از گذشت سال ها، وقتی در سال 904 با دختر خواجه کلان، پسر بزرگوار مولانا سعدالدین کاشغری ازدواج کردم، پدرم گفتند: خوابی که چهل سال پیش دیدم، اکنون تعبیر یافت.

مولانا جامی نیز با دختر دیگر خواجه کلان ازدواج کرده بود. به این ترتیب، فخرالدین علی با عارف جام، هم داماد بود و این قطعه، مؤید این مطلب است:

دو کوكبِ شرف از برجِ سعدِ ملت و دین

طلوع کرد و برآمد بسان دُرِّ زصدف

از آن یکی، بضیاء گشت بیت عارف جام

وزین، حضيضِ وبالِ صفی، شد اوج شرف

فخرالدین علی بعد از طیّ مدارج تحصیل و کسب کمالات جای پدر را در وعظ و تذکیر گرفت و این شغل را بعد از زوال دولت تیموری در خراسان و در عهد تشکیل دولت صفوی و یا در گیرودار حملات ازبکان بر آن شهر و بر خراسان همچنان ادامه داد. مثلاً خواندمیر در حبیب السیر اشتغال او را بدین شغل و به جانشینی پدرش در سال 929 تصریح نموده و نیز خود فخرالدین علی به اقامت خود در هرات هنگام محاصره آن شهر به سال 938 به وسیله ازبکان اشاره کرده و از آن در آغاز کتاب لطایف الطوائف به حبس یکساله تعبیر نموده است.

1-1-2- مذهب و طریقت او

از سلسله های معروف صوفیه در این عهد، سلسله نقشبندیّه یا خواجهگان است. « این سلسله منسوب است به خواجه بهاءالدین نقشبند (م. 791) که نسب تعلیمش به خواجه عبدالخالق غجدوانی و از او تا به شیخ ابوالحسن خارقانی می رسید و چون همه مشایخ این سلسله، عنوان خواجه داشتند، اصحاب طریقت مذکور به خواجهگان مشهور شدند. از این سلسله مشایخ مشهوری را در قرن نهم می شناسیم مانند: سعدالدین کاشغری، خواجه عبیدالله احرار و مولانا عبدالرحمن جامی. نقشبندیان بر مذهب سنت اند و به چند شعبه منقسم می گردند. معصومعلی شاه صاحب طرایق الحقایق که در سیاحت های خود از این فرقه بسیار دیده بود، گوید: دسته ای از آنها ملامتیه اند و دسته ای دیگر از اهل سنت و جماعت و ملتزم به تمام التزامات شرعی و دسته بسیار قلیلی از آنان شیعه اثنی عشری اند. » (صفا، 1356: 178)